



سهراب سلیمی
کارگردان و بازیگر تئاتر

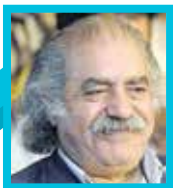
بودجه اندک تئاتر کشور

تعداد کارهای اجرا شده در سال ۹۵ رشد چشمگیری داشت که این ارقام به عوامل بسیاری وابسته است منجمله رشد سالن های خصوصی؛ - چون واژه دیگری را برای این اماکن پیدا نمی کنم از واژه سالن استفاده کرده ام - در صد بالایی از این سالن ها نامن و نگران کننده هستند، هم به لحاظ جغرافیایی هم سرویس دهی به مخاطب، آیا همواره در این کشور اول باید مصیبتی به بار بیاید بعد ما شروع به جلوگیری کنیم؟ آیا اینکه بارها اعلام کرده اند پلاسکونامن است ولی دست هایی اجازه تعطیلی آن را نداده اند، توجیه است که برای احتراق و ریزش این ساختمان آوردند؟ این نگرانی برای سالن های خصوصی تئاتر هم وجود دارد. بخش نگران کننده دیگری است که بسیاری از جوانان که راه های اجرایی حرفه ای برایشان بسته است به این اماکن خصوصی پناه می برند، هزینه هایی پرداخت می کنند و امید دیده شدن دارند. کم کم هر گروه به وضعیتی می رسد که در طول سال ۴-۵ اجرا با این وضعیت به صحنه می برد و آنها را به عنوان سندی برای حق عضویت در خانه تئاتر، بیمه و... ارائه می دهند در حالی که این سالن ها باید از نظر کیفی و کمی در جه بندی شوند. تعداد اجراها ملاک خوبی برای در جه بندی هنری نیست، بلکه گزینه های ارجح با آدم های ارجح ملاک اند، اینکه یک هنرمند در طول فعالیت هنری اش چه نمایشنامه هایی را با چه اشخاصی اجرا کرده و تا چه اندازه در خور توجه نقد و بررسی کارشناسانه بوده است تا از طریق اینها اعتبار و ارزشش مشخص شود. تکثیر این جایگاه های خصوصی بهانه ای

شده تا اکثریت فعالان جوان جزو مدعیان پرمدعی این کار شوند. ما در خانه تئاتر مدام شاهد آن هستیم که جوان ها پر ونده هایی را زیر بغل می زنند و برای حق عضویت می آیند که این اتفاقات بخاطر بی توجهی و عدم مدیریت صحیح است زیرا این سالن ها بیشتر کار بی زینس انجام می دهند تا فرهنگی. تعداد نمایش بالا در تهران بیشتر نگران کننده است تا افتخار آمیز. از نظر کیفی من همیشه سعی داشته ام امیدوارانه نگاه کنم اما رشد تئاتر ملزوم پرداخت هزینه های دولتی است. من به مدیران مرکز هنرهای نمایشی حق می دهم که با این بودجه های اندک که تعیین می شود، چه در بخش کمیسیون فرهنگی مجلس، چه در بخش شورای عالی انقلاب فرهنگی و چه در بخش کلان یعنی وزارت ارشاد نتوانند کاری پیش برند زیرا اگر اتقای سطح مالی به منزله واقعی رخ دهد خیلی از گروه ها باید حمایت شوند. اداره هنر های نمایشی مجبور است با آن بودجه کم هم حقوق کارمندان را بدهد، هم جشنواره برگزار کند و هم به گروه های تئاتری سرویس دهد که خب غیر ممکن است. صحبت هست که بودجه بیش از این ارقام افزایش یابد و طبق صحبتی که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در اختتامیه جشنواره فجر داشت بر گزار می امور تئاتر کشور را به صاحبان اصلی این هنر محمول کنند. این سال ها از این مطالب زیاد شنیده ایم، تا تحقق حرف ها هنوز فاصله زیاد است.

نمایش های خارجی جشنواره تئاتر فجر ۹۵ نیز توقعات اهالی هنر را امسال بر آورده نکرد. نمایش کشورهای پیشرو در سطح

جهانی باید برای ما جنبه آموزشی و ارتقای دانش اجرایی به همراه داشته باشد، و تحقیقات تئاتر های امسال جشنواره نامید کننده بود و انتظارات را به شکل شایسته و بایسته بر آورده نکرد، با دیدن آن کارها باید به گروه های جوان خودمان تبریک بگوییم که کارهای خارق العاده انجام می دهند. متأسفانه تماشای اجرای بوجینو باربا که صاحب سبک در تئاتر دنیاست برایم مهیا نشد، اما این اجرا برای تمام دوستان غیر مترقبه بود، چقدر خوب می شد اگر سطح کارهایی که از طرف کارشناسان و مدیران دعوت می شوند در این حد باشند نه در حد کارهایی که امسال در جشنواره شاهد آنها بودیم که اصلاً در شأن جشنواره بین المللی فجر نبودند، جشنواره ای که در این سال ها تجربه بالایی به دست آورده و در سطح جهانی رابزنی هایی کرده که دیگر می تواند اهم و بی اهم بکند و چقدر خوب است اگر در طول سال این هنرمندان اثر گذار به کشورمان بیایند تا همه علاقه مندان بتوانند از این فرصت ها استفاده کنند. بخش دیگر سخمن در مورد مبلغ جوایز این جشنواره است که واقعا شرم آور بود. آیا یک یا چهار میلیون تومان حق هنرمندی است که در طول سال تلاش کرده و به گزینه بهترین رسیده؟ تقسیم این رقم بر ۱۲ ماه تأسف بار است. در صد بسیاری از این جوانان با حداقل امکانات زندگی را می گذرانند که از نظر آسیب شناسی اجتماعی قابل بحث است. با توجه به بیش از ۷۵ مرکز آموزشی که در حوزه تئاتر داریم چگونه قرار است کار، مسائل صنفی، حقوقی و جایگاه هنری این فارغ التحصیلان مدیریت شود؟!



بهزاد افراهانی
بازیگر و کارگردان تئاتر

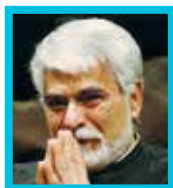
در انتظار قوانین بازیگر، نه بازدارنده

بودجه ای که به حوزه تئاتر تخصیص داده می شود متعلق به ۵۶۰ مرکز تئاتری است که در هر مرکز ۴ تا ۵ گروه فعالیت می کنند، لذا به اعتقاد من افزایش بودجه تئاتر با این ارقام اصلاً کافی نیست. اگر نگاه کوچکی به نهاد های دیگر بیندازیم خواهیم فهمید این بودجه چقدر اندک است، واقعیت این است که در کوچکترین شهر های کشور ما تئاتر اجرا می شود و به همین دلیل باید بیشتر به این بودجه اندیشید. تأثیر ورود بخش خصوصی به جامعه تئاتری قضیه ای روشن است، بخش خصوصی بدون حمایت و یاری حاکمیت، دولت و وزارتخانه نمی تواند کاری انجام دهد، ممکن است این بخش در آغاز دل انگیز به نظر آید ولی مطمئناً به همین منوال پیش نمی رود و در پایان ما را دچار مشکلات عدیده ای خواهد کرد. امروزه پیشاهنگان جوان تئاتر به این جنبش می پیوندند و برای اینکه غصه روی صحنه نرفتن کارشان کاهش یابد بدون دستمزد کافی آنها را اجرا می کنند، اما زندگی اینگونه نمی گذرد و هر آرتیستی باید به فکر معیشت و فر دای خودش باشد، آنوقت است که این بخش خصوصی دل انگیز، دیگر پاسخگو نخواهد بود.

طرف دیگر قضیه این است که دولت ذهنیت کمک به بخش خصوصی را هنوز باور نکرده است، سخت افزار ما باید به وسیله دولت تأمین شود و در واقع بخش خصوصی تنها به نرم افزار و تولید بپردازد. یک حساب سرانگشتی به شما خواهد گفت که اجاره یک تئاتر در خیابان فلسطین حداقل ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان در ماه است، تئاتری که بعد از مخارجش بتواند چنین پولی را در آورده تئاتر خیلی خاصی است، اما بیشتر تئاترها نمی توانند به این رقم برسند و با این پول ها که نمی توان بازیگر، طراح صحنه و... را راضی کرد.

دولت در این پدیده باید به کمک گروه های تئاتری بیاید، تا وقتی دولت به تئاتر نیازی احساس نکند به طرفش نخواهد آمد و یک بار گران از آسیب های اجتماعی به مرور زمان روی دوشش باقی می ماند، در حالی که اگر به تئاتر توجه شود، آنوقت دولت یک بار گران فرهنگی را به دوش می کشد که این بار از شمشند است و باید برایش سرمایه گذاری کرد. تأثیرات تئاتر در جامعه رانمی توان با ترازو چرتکه شمرد، این تأثیرات به راحتی رخ نمی نمایند و زمان می برد تا تأثیر خود را هویدا کند، این هنر باید به مهد کودک ها و مدارس راه یابد و تا زمانی که این اتفاقات حسنه نیفتد ما بر طبل تو خالی خواهیم کوبید. بنده جدا از رفاقتی که با مدیران اداره های وزارت ارشاد دارم و احترامی که برای آنها قائلم باید عرض کنم که این شیوه، مدیریت درستی در تئاتر نیست.

مدیریت تئاتر باید از هر جای دیگر این هنر را توانمند کند، تلویزیون باید در این امر لازم و ضروری به یاری تئاتر بیاید، شهرداری باید به کمک تئاتر بیاید، اینکه در منطقه خاوران ۱۰ سالن آبرومند ساخته شود چیز جالبی نیست، من این نوع مدیریت دوستان را مدیریت اندیشه محور نمی دانم. اگر این ۱۰ سالن در ۱۰ منطقه مختلف ساخته می شد آن وقت تأثیر گذار بود، ولی این، بزودی خواهیم دید که پدیده پردیس تئاتر چه لطمانی به تئاتر خواهد زد. درست است که یک سالن در فرهنگسرای بهمین، با کمک شهردار محترم آقای کرباسچی توانست بالنده شود، اما این دلیل نمی شود ۱۰ سالن در خاوران هم موفق شود، مطمئناً پردیس خاوران پاسخگوی هزینه هایی که برای آن شده است نخواهد بود.



حسین پاکدل
کارگردان و بازیگر

تنها کمی بردباری

اگر هنر نمایشی را در سال ۹۵ مرور کنیم و یک جمع بندی کوتاه از حرکت کلی این هنر داشته باشیم، خواهیم دید که تئاتر به سمت وسوی خصوصی سازی شتاب خوبی گرفته است. به نظر می رسد دولت و مجلس آنچنان برنامه شفاف و روشنی در این مورد ندارند یا اگر گوشه چشمی هست چنان که باید و شاید مبنکرانه و همه جانبه نیست. با این کمک هزینه اندک که به پول چای هم نمی رسد، نمی توان کاری قابل تولید کرد و ارشاد و مرکز هنر های نمایشی دیگر مطلقاً تولیدی ندارند و جشنواره با تولیدات بخش خصوصی پرمی شود، وقتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در اختتامیه جشنواره تئاتر فجر اعلام می کند که بودجه تئاتر را دوبرابر خواهد کرد، نمی توان این حرف را به عنوان حرفی کارشناسانه پذیرفت، چنین حرف هایی در لحظه کار کرد دارند و مطلقاً حرف های غیر کارشناسانه ای هستند. مشکل تئاتر تنها بودجه نیست، با دوبرابر شدن بودجه مشکلات تئاتر هم دوبرابر می شود، اما اگر برنامه های اداره هنر های نمایشی به همراه بودجه مکفی، به شکلی کارشناسانه با روش تحقیقی درست ریخته شوند، طبعاً نتیجه خوبی خواهیم گرفت، نه اینکه در لحظه حرفی بزنیم تا همه خوششان بیاید و با این قول های ناگهانی تنها مشکلات یک حوزه را افزایش دهیم.

اساساً نگاه دولتی، مقوله تئاتر از جنس نیاز های اصلی و پایه ای فرهنگ و هنر تلقی نمی شود و لذا از هیچ منظر بدان عنایت لازم صورت نمی گیرد. اما این مهم از نگاه هنرمندان فعال در این عرصه دور نمانده است و مدام در حال باز کردن در چیه های تازه به روی این هنر فاخر هستند. در سال ۹۵ به نسبت سال های دیگر بیشترین مشارکت و تولید اثر در این بخش انجام شد و پیش بینی می شود این حرکت های لاجرم تصدی گری دولت در این زمینه را به حداقل منطقی خود کاهش داد و بالطبع این در حالت کلی به نفع هنر و به ویژه هنر نمایش تمام خواهد شد. به نظر می رسد این اتفاق، در برخورد اول فشار سنگینی به هنرمندان فعال این عرصه وارد کند ولی در میان مدت اتفاقات خوبی در پی خواهد داشت.

تئاتر هنری است که می تواند خاستگاه های بیشتری را پاسخ گوید و همواره ابزارش با فرد خالق همراه است. نسل جوانی که دارد جلوه پیدا می کند و جلومی آید، ادبیات، تحلیل و نگاه ویژه خودش را دارد. در سینما بعضی از این جوان ها که تابع و رام شدنی نیستند به شکل حیرت انگیزی جای خود را باز کرده و بسرعت پیش آمده اند. تئاتر چون هنر سخت تری برای رسیدن به یک مرحله قابل اعتنا است، جوان های این عرصه باید کارشان را جدی تر بگیرند و ممارست بیشتری داشته باشند تا در همه حوزه های تئاتر مانند نمایشنامه نویسی، بازیگری، طراحی و... موفق شوند، تنها کافی است کمی بردباری کنند.